



پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

موضوع:

جایگاه مصلحت در اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی (ره)

Status of expediency in political thought and practice of imam khomeini

استاد راهنما:

دکتر حسین جمالی

استاد مشاور:

دکتر علی کریمی مله

نام دانشجو:

روح الله محمدزاده

شهریور ۱۳۸۸

با سپاس از همه کسانی که در راه آموختن یاریم کردند

به یاد برادرم

تقدیم به پدر و مادرم

فهرست مطالب

۸.....	چکیده لاتین.....
۹.....	چکیده فارسی.....
۱۰.....	کلیات؛ طرح مسأله.....
۲۳.....	فصل اول. چهارچوب نظری (بررسی مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)).....
۲۷.....	۱- نقش دانش اصول فقه در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره).....
۲۸.....	۱-۱. لزوم اقتدار سیاسی برای حاکم اسلامی.....
۳۰.....	۲-۱. مراتب اراده.....
۳۰.....	۳-۱. عدم مقید بودن احکام شرعی به قدرت.....
۳۱.....	۴-۱. مراتب احکام.....
۳۳.....	۵-۱. جمع بین احکام واقعی و ظاهری.....
۳۵.....	۲- امام خمینی (ره) و تحول پذیری فقه شیعه.....
۳۵.....	۲-۱. تحول پذیری روش تحصیل و تحقیق فقه.....
۳۶.....	۲-۲. تحول پذیری از جنبه گستره قواعد فقهی.....
۳۷.....	۳- شناخت عناصر ثابت و متغیر در پویایی فقه.....
۳۹.....	۴- بازشناسی جایگاه سیاست در شریعت.....
۳۹.....	۴-۱. عقلانیت حکومت شریعت.....

- ۴-۲. عقلانیت سیاسی در ماهیت قوانین و احکام شریعت..... ۴۰
- ۴-۳. عقلانیت سیاسی در ضرورت استمرار اجرای احکام شریعت..... ۴۱
- ۴-۴. عقلانیت سیاسی سیره شریعت در تأسیس حکومت..... ۴۲
- خلاصه فصل..... ۴۴
- فصل دوم. بررسی مصلحت به مثابه قاعده فقه سیاسی در اندیشه امام خمینی(ره)..... ۴۵
- گفتار اول. تعریف مصلحت(تحلیل نوین مفهوم مصلحت)..... ۴۶
- اول: دریافت عمومی از مفهوم مصلحت..... ۴۶
- ۱- تعریف لغوی..... ۴۶
- ۲- تعریف اصطلاحی: ویژگی ها..... ۴۷
- ۱-۲. گستره زمانی مصلحت؛ دنیا و آخرت..... ۴۷
- ۲-۲. گستره ارزشی مصلحت؛ مادیت و معنویت..... ۴۸
- ۳-۲. تقدم مصلحت دین..... ۴۹
- دوم: ساحت شناسی مفهوم مصلحت..... ۵۰
- ۱- ساحت کلامی..... ۵۰
- ۱-۱. مصلحت به مثابه رویکرد کلامی..... ۵۰
- ۲-۱. مصلحت در کلام شیعی..... ۵۱
- ۲- ساحت فلسفی..... ۵۳
- یک. پیروان دیدگاه مصالح پیشینی..... ۵۳
- دو. پیروان دیدگاه مصالح پسینی..... ۵۴
- ۳- ساحت فقهی..... ۵۵
- ۱-۳. دیدگاه اهل تسنن؛ مدعا و ادله..... ۵۶

یک. مصالح معتبر.....	۵۶
دو. مصالح غیر معتبر.....	۵۶
سه. مصالح مرسله.....	۵۷
۲-۳. دیدگاه شیعه؛ مدعا و نقد مصالح مرسله.....	۶۰
یک. نقد ساختار تفکر اجتماعی اهل تسنن.....	۶۱
دو. ساختار تفکر اجتماعی تشیع.....	۶۳
سه. دیدگاه شیعه.....	۶۶
گفتار دوم. مصلحت به مثابه قاعده فقه سیاسی در اندیشه امام خمینی(ره).....	۶۸
اول. فقه پویا و جایگاه مصلحت در آن.....	۶۹
۱- ماهیت فقه.....	۷۰
۲- تعریف قواعد فقهی در اندیشه امام خمینی(ره).....	۷۱
۱-۲. قواعد فقهی غیر حکومتی(غیر سیاسی).....	۷۲
۲-۲. قواعد فقهی حکومتی(سیاسی).....	۷۳
۳- زمان و مکان.....	۷۴
۴- احکام حکومتی و مصلحت در اندیشه امام خمینی(ره).....	۷۶
دوم. فلسفه ولایت فقیه و جایگاه مصلحت در آن.....	۷۷
خلاصه فصل.....	۸۶
فصل سوم. جایگاه مصلحت در رفتار سیاسی امام خمینی(ره)؛ برهه زمانی بعد از پیروزی	
انقلاب.....	۸۸
اول. مبادی نظری.....	۹۰
۱- اولویت مصلحت.....	۹۱

- ۲- اولویت احکام..... ۹۲
- دوم. روایت تاریخی..... ۹۳
- ۱- طرح عملی مصلحت..... ۹۴
- ۱-۱. قانون اراضی شهری..... ۹۴
- ۲-۱. قانون تعزیرات..... ۹۷
- ۳-۱. قانون بیمه بیکاری..... ۹۹
- ۲- اصلاح روش مصلحت سنجی (اواخر ۱۳۶۶)..... ۱۰۴
- ۳- تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام..... ۱۰۶
- ۳-۱. دوره اقدام؛ حل اختلاف..... ۱۰۶
- ۳-۲. دوره ضرورت؛ وضع قانون..... ۱۰۷
- ۳-۳. دوره رجعت؛ حذف حق قانونگذاری..... ۱۰۷
- ۳-۴. دوره تکامل؛ طراحی سیاست های کلان (از ۱۳۷۶ تا کنون)..... ۱۰۸
- ۳-۵. دوره کمال؛ اعمال نظارت بر سازمان قدرت..... ۱۱۰
- ۴- مجمع تشخیص مصلحت و شورای بازنگری قانون اساسی..... ۱۱۱
- ۵- پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و رفتار شناسی امام خمینی(ره)..... ۱۱۷
- ۵-۱. پیشینه شورای امنیت در برخورد با جنگ ایران و عراق..... ۱۱۷
- ۵-۲. مواضع و برخورد ایران با قطعنامه ۵۹۸..... ۱۱۹
- ۵-۳. پیامدهای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران..... ۱۲۲
- ۵-۴. مصلحت و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط امام خمینی(ره)..... ۱۲۴
- خلاصه فصل..... ۱۲۶
- فصل چهارم. حدود مصلحت در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)..... ۱۲۷

اول. قدرت و مصلحت؛ گونه شناسی انواع دولت ها.....	۱۲۹
۱- الگوهای دولت- مصلحت.....	۱۳۰
۱-۱- مصلحت دولتی.....	۱۳۱
۱-۱-۱. تئوری دولت فارغ از اخلاق (مصلحت مطلقاً مادی).....	۱۳۳
۱-۱-۲. تئوری دولت خدمت گذار غیر مسؤول.....	۱۳۳
۱-۱-۳. تئوری دولت اخلاقی.....	۱۳۴
۲-۱- دولت مصلحتی (نظریه مصلحت عمومی).....	۱۳۵
۳-۱- مصلحت استراتژیک (در قالب اندیشه امام خمینی(ره)).....	۱۴۰
دوم. ضوابط مصلحت استراتژیک در اندیشه امام خمینی(ره).....	۱۵۰
۱- افکار عمومی و مصلحت استراتژیک.....	۱۵۱
۲- محدودیت زمانی و مصلحت استراتژیک.....	۱۵۹
۳- نهادهای نظارتی و مصلحت استراتژیک.....	۱۶۳
خلاصه فصل.....	۱۶۸
نتیجه گیری.....	۱۶۹
کتابنامه.....	۱۷۲

Abstract:

Planning of expediency subject in Islamic government scope by Emam khomeini(rah) considers as valuable innovations that is understandable on basis of shiites jurisprudence inheritance. Despite this some of writers tried to evaluate expediency entrance to shiites political jurisprudence scope as new subject that cause to conventional shiites jurisprudence.

In present epistle, writer with saying this idea that considered expediency of Emam(rah) places into shiites political jurisprudence, is acted to theoretical analysis and structural planning of expediency subject in Islamic government relevant to Emam khomeini's character and in framework of shiites jurisprudence principals. Present writing is an attempt that examines two dimensions facing Emam(rah) with expediency subject: first, theoretical and knowledge dimension that allocates the way of considering general interests in determine of vali faghih and forming of Islamic regime basis on public people's vote. Second, functional dimension that consider the way of expediency presence in political action of religious government.

Key words: expediency, political jurisprudence principals, strategic expediency, Islamic government, conventional

چکیده:

طرح مقوله « مصلحت » در حوزه « حکومت اسلامی » از سوی امام خمینی رحمه الله علیه از جمله ابتکارات ارزنده ای به شمار می رود که بر بنیاد میراث فقه شیعی قابل درک است. با این حال برخی از نویسندگان تلاش نموده اند تا ورود مصلحت به حوزه فقه سیاسی شیعه را مقوله ای تازه که منجر به عرفی شدن فقه شیعه می شود، ارزیابی نمایند. در رساله حاضر نویسنده با بیان این ایده که مصلحت مورد نظر امام(ره) درون فقه سیاسی شیعه قرار دارد، اقدام به تحلیل نظری و طراحی ساختاری عنصر مصلحت در حکومت اسلامی مطابق با سیره امام خمینی(ره) و در چارچوب اصول فقه شیعه نموده است.

نوشتار حاضر تلاشی است جهت بررسی دو بعد اساسی مواجهه امام(ره) با مقوله مصلحت: اول بعد نظری و معرفت شناختی که به نحوه لحاظ کردن مصالح عامه در تعیین ولی فقیه و شکل گیری نظام اسلامی مبتنی بر رأی عامه مردم، اختصاص دارد. دوم، بعد کاربری که به نحوه حضور مصلحت در عمل سیاسی حکومت دینی می پردازد.

واژه های کلیدی: مصلحت، قواعد فقه سیاسی، مصلحت استراتژیک، حکومت اسلامی، عرفی شدن

کلیات؛

طرح مسأله:

بحث از مصلحت از دو ناحیه در تفکر سیاسی شیعه مورد توجه بوده است:

اول: از ناحیه تاریخی که ریشه در حوادث صدر اسلام و مصلحت اندیشی های مکتب سیاسی خلافت دارد که در نهایت به قبول «استصلاح» به مثابه یک مرجع مستقل برای وضع احکام شرعی از سوی اهل سنت و ردّ تمام عیار آن توسط مکتب سیاسی امامت ختم شد.

دوم: از ناحیه برخی روشن فکران و نویسندگان که در اعتراض به وضع موجود و سکوت نخبگان و توده مردم به بهانه مصلحت، بر کلیه «مصلحت اندیشی ها» شوریده و آن را مایه استمرار ظلم ظالمان دانسته اند.

نکته قابل ذکر این است که چنین تهاجم فکری بر ضد مصلحت اندیشی چون با آن سابقه تاریخی همراه شد، توانست جایگاه این اصل را در تفکر سیاسی شیعه تنزل داده و آن را به حاشیه براند. این حاشیه راندن، خود موجب طرح مباحثی چون: امر مصلحت در مقابل حقیقت^۱؛ تقابل مصلحت با دیانت^۲؛ ایجاد بدعت بر اساس مصلحت در مقام اجتهاد^۳ و عرفی کردن دین شد. این امور در نتیجه، به نحوی در شکل گیری بینش سیاسی شیعه در این زمینه مؤثر واقع شده اند.

تحولات ناشی از دو ناحیه فوق، باعث طرح جدی مفهوم مصلحت، به مثابه امر سیاسی در گفتمان اهل سنت شد؛ به گونه ای که عمده آثار در این زمینه متعلق به بزرگان و محققان اهل سنت بوده و کارکرد سیاسی این واژه به شکل مبسوطی در فلسفه سیاسی اهل تسنن بارز گشته است. البته باید توجه داشت که اصل مصلحت از دیرباز مورد توجه فقها و اندیشمندان شیعی نیز بوده است. به عنوان نمونه مباحث

۱- بوطی، محمد سعید رمضان، مصلحت و شریعت، ضوابط و جایگاه مصلحت در اسلام، ترجمه اصغر افتخاری، تهران، گام نو، ۱۳۸۳، ص ۱۱

۲- نک، علی شریعتی، شیعه، مجموعه آثار شماره ۷، ص ۱۹۳

۳- نک، شهید مطهری و مسأله اسلام و نیازهای زمان، مجموعه آثار کنگره بررسی فقهی اندیشه امام (ره)، ج ۶، ص ۲۵۵

قابل توجه شهید اول در کتاب القواعد و الفوائد زوایای گوناگون قاعده مصلحت را شماره و بیان نموده است.^۱

با این وجود، در میان فقهای شیعه، امام خمینی(ره) چهره شاخص و برجسته ای است که به فقه المصلحه صبغه اجتماعی و حکومتی داد و بیش از دیگران به بسط آن پرداخت. تأکید بر اهمیت جایگاه مصلحت در اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی(ره) که هدف اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می دهد از دو بعد دارای اهمیت و به همین دلیل شایسته بررسی و تحقیق است.

الف: مفهوم مصلحت در جریان تحول اندیشه و عمل سیاسی و ظهور الگوهای حکومتی نوین، کارکردی عملیاتی یافته و به عنصری تأثیرگذار در مدیریت حکومت تبدیل شده است. این تحول عمیق به طرح برداشت هایی نوین از مصلحت منتهی می شود که بررسی آن ها را در گفتمان سیاسی مختلف طلب می کند.

ب: تأسیس حکومت اسلامی در ایران که در قالب « جمهوری اسلامی » به ابتکار امام خمینی(ره) صورت گرفت، از آن جا که با کارکردی تازه از مصلحت همراه است و نمود آن را می توان در تأسیس « مجمع تشخیص مصلحت نظام » سراغ گرفت، اقتضا دارد این مفهوم بیشتر واکاوی شود.

به عبارت دیگر، طرح جایگاه مصلحت در اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی(ره)، با دیدگاه ایشان درباره ولایت مطلقه فقیه ارتباط وثیقی دارد. این دیدگاه که فرا رفتن از احکام پیشین شریعت را تسهیل می نماید، بر این اساس بسط یافت که زندگی متغیر اجتماعی نمی تواند با مجموعه محدودی از دستورات پیشین هماهنگ گشته و سامان یابد.

امام خمینی(ره) با طرح نظریه ولایت مطلقه، میدان وسیعی را بر اجتهاد در فضای باز بنیان گذاشت. این نوع اجتهاد بر تاریخی بودن نظریه اجتماعی - هر نظریه ای ریشه در خاک و لحظه ای معین از تاریخ

۱- به نقل از سیف الله صرامی، مبانی احکام حکومتی از دیدگاه امام خمینی(ره)، در نقش زمان و مکان در اجتهاد،

دارد و با جنبه های دیگر حیات اجتماعی و فرهنگی آن لحظه در تفاهم است- تأکید دارد^۱ و نگرش مطلق اندیشانه به امروز از فراز گذشته و نسبت دادن بسیاری از مفاهیم و اصطلاحات نوین امروز به دیروز را مردود اعلام می دارد. از همین رو اندیشهٔ مصلحت همزاد « ملت » و از مفاهیم مدرن سیاسی به شمار می رود.^۲

فقیهانی که از احکام حکومتی در قالب عنصر مصلحت سخن می گویند، در واقع در صددند تا عرصه ای گسترده و افقی باز در برابر تدابیر اجتماعی ایجاد کنند. بعد از پیروزی انقلاب و تشکیل حکومت جمهوری اسلامی، منازعاتی بین سالهای ۶۰ تا ۶۶ در گرفت که بر اساس آن دو شیوهٔ تفکر دربارهٔ حوزهٔ اقتدار دینی بروز کرد. دیدگاهی که معتقد بود حاکم اسلامی در چارچوب احکام اولیه دارای اقتدار است و حق قانونگذاری پسین به هیچ وجه از او ساخته و مجاز نیست.^۳

دیدگاه دوم از طرف امام خمینی(ره) و در راستای نظریهٔ ولایت مطلقهٔ فقیه توجیه می شد. نظرات صاحبان این دو نظریه به تدریج در نهادهای حکومتی به ویژه دولت و مجلس انعکاس یافت و بعضی اختلاف ها را در مسائل سیاسی و اجتماعی به بار آورد. به عنوان مثال یکی از موارد اختلافی، بحث معادن کشور و میزان مالکیت افراد بر معادنی بود که در زمین های آنان کشف می شدند.

دیدگاه اول، مباحثه و استدلال در این زمینه را با ارجاع به یک حکم پیشین- اصل مالکیت اشخاص- می بست. در حالی که دیدگاه دوم، با ارجاع به مسائل پسینی فعلی و متغیر، مالکیت دائمی و مطلق افراد بر چنین منابع عظیمی را نمی پذیرفت. در این زمینه امام خمینی(ره) طی فتوایی پای عقلانیت عمومی و به تعبیر فقهی « فهم عرفی » و درک آن را مبنای حکم فعلی قرار دادند. فتوا این بود:

۱- تاجیک، محمدرضا، تجربهٔ بازی سیاسی میان ایرانیان، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲

۲- طباطبایی، سیدجواد، دیباچه ای بر نظریهٔ انحطاط ایران، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۱

۳- شفیعی، محمود، کنش ارتباطی و گفتمان مصلحت در جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ اندیشه، سال چهارم، بهار ۸۴.

« حدود مالکیت افراد بر معادن زیرزمینی، زمین و بالای سر هر ملک، دارای محدودیتند و مقدار مالکیت در این موارد تابع عرف است.»^۱

در نمونه ای دیگر، جمهور فقهای شیعه، بازی شطرنج را، صرف نظر از آن که قمار باشد یا نباشد، حرام دانسته اند. فتوای نخستین امام خمینی (ره) نیز همین بود. اما بعدها ایشان بازی شطرنج را در صورتی که از آلت قمار نباشد جایز دانسته اند. دیگران از جمله حجت الاسلام قدیری، با ایشان محاجّه کردند که بنابر فتوای شما لعب به شطرنج بالکل حرام است. امام (ره) در پاسخ نوشتند:

« [...] آنگونه که جناب عالی از اخبار و روایات برداشت دارید، تمدن جدید به کلی باید از بین برود و مردم کوخ نشین بوده و برای همیشه در صحراها زندگی کنند. و راجع به دو سؤال، یکی بازی شطرنج در صورتی که از آلت قمار بودن به کلی خارج شده باشد باید عرض کنم که شما مراجعه کنید به کتاب جامع المدارک مرحوم آیت ... آقای حاج سید احمد خوانساری که بازی شطرنج را بدون رهن جایز می داند و در تمام ادله خدشه می کند [...]»^۲

اما شاید کانونی ترین مورد منازعه در اواسط سال ۱۳۶۶ به وقوع پیوست. در این زمان قانون کار در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال شد. پیش از اظهار نظر شورای نگهبان، وزیرکار در خصوص اختیارات دولت سؤالی را با امام (ره) در میان گذاشت:

« آیا می توان برای واحدهایی که از امکانات و خدمات دولتی و عمومی مانند آب، برق، تلفن، سوخت، ارز، مواد اولیه بندر، جاده، اسکله، سیستم اداری، سیستم بانکی و غیره به نحوی از انحاء استفاده می نمایند اعم از این که این استفاده از گذشته بوده و استمرار داشته باشد یا به تازه گی به عمل آید در ازای این استفاده شروط الزامی را مقدر نمود؟»^۳

۱- هفته نامه ارزش ها، بی تا، ۵۶

۲- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۴

۳- مهرپور، حسین، دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی، انتشارات اطلاعات، چاپ دهم، ۱۳۷۴، ص ۵۵

امام(ره) نیز پاسخ دادند:

«در هر دو صورت، چه گذشته و چه حال، دولت می تواند شروط الزامی را مقرر نماید.»^۱

دبیر شورای نگهبان تعریضاً نامه ای خطاب به امام(ره) نوشت:

«از فتوای صادره از ناحیه جناب عالی که، دولت می تواند در ازای استفاده از خدمات و امکانات دولتی و عمومی شروط الزامی را مقرر نماید، به طور وسیع بعضی اشخاص استظهار نمودند که دولت می تواند هرگونه نظام اجتماعی، اقتصادی، کار، عائله، بازرگانی، امور شهری، کشاورزی و غیره را با استفاده از این اختیار جایگزین نظامات اصیله و مستقیم اسلام قرار دهد و خدمات و امکاناتی را که منحصر به او شده است و مردم در استفاده از آن ها مضطر یا شبه مضطر می باشند وسیله اعمال سیاست های عام و کلی بنماید و افعال و تروک مباحه شرعیه را تحریم یا الزام نماید...»^۲

امام(ره) در پاسخ دبیر شورای نگهبان نوشتند:

«دولت می تواند در تمام مواردی که مردم استفاده از امکانات و خدمات دولتی می کنند با شروط اسلامی و حتی بدون شرط، قیمت مورد استفاده را از آنان بگیرد و این جاری است در جمیع مواردی که تحت سلطه حکومت است و اختصاص به مواردی که در نامه وزیر کار ذکر شده است ندارد...»^۳

ذکر فقرات و نمونه های بالا در خصوص نوع تصمیم گیری بر اساس مصلحت و فهم عرفی از اصول شریعت، با وجود طولانی بودن، این سؤال را در ذهن مخاطب ایجاد می کند که: مبانی فقهی رفتار سیاسی امام خمینی(ره) مبتنی بر مصلحت در نظام دینی ولایت فقیه چیست؟

سوالات فرعی:

۱- موارد عمل سیاسی امام خمینی(ره) بر اساس مصلحت سنجی، بعد از پیروزی انقلاب کدامند؟

۱- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۶۳

۲- مهرپور، حسین، همان، ص ۵۶

۳- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۶۵

۲- مصلحت اندیشی در نظام دینی، چگونه با مصلحت گرایی در نظام های عرفی گرا متمایز می شود؟

پژوهش های علمی انجام شده در ارتباط با پایان نامه

در مورد سوابق پژوهش، ابتدائاً پیشینه ای مختصر از بحث مصلحت با سه رویکرد کلامی، فلسفی و فقهی مطرح می شود و سپس در ذیل عنوان مصلحت فقهی به سوابق پژوهش های انجام شده در مورد اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی(ره) اشاره می شود.

در نگاه کلی به مفهوم مصلحت در گفتمان اسلامی سه رویکرد متفاوت از هم وجود دارد:

۱- رویکرد کلامی (مصلحت کلامی)

در این رویکرد گروهی از نویسندگان معتقدند که احکام شارع ثبوتاً و اثباتاً بر پایه تحصیل مصالح و مفاسدند و گروه دیگر بر این باورند که شریعت فریه تر از آن است که به معیار مصلحت سنجیده شود. به زعم این گروه مبنای اولیه در احکام صرفاً روحیه تعبد است و بس.

از میان کسانی که در گروه اول جای می گیرند به عنوان مثال شهید ثانی در قواعد فقه اشاره می کند که: شریعت مبتنی بر مصالح است و از سیره عملی و نظری حضرت محمد(ص) مؤیدات بسیاری برای آن ذکر می کند.^۱

البته در نگاه شیعه، سه اندیشه مختلف در خصوص نحوه ارتباط مصلحت با شریعت پدید آمده است. آنان که مصلحت را ابزاری در کف شریعت می دانند. کسانی که مصلحت را مقصد شریعت می دانند و بالاخره افرادی که آن را سبب و مقصود هر دو می دانند که به نحوی بین دیدگاه شیعه و سنی تمییز می دهد.

۲- رویکرد فلسفی (مصلحت فلسفی)

مصلحت فلسفی عموماً با عنوان حسن و قبح عقلی در گفتمان سیاسی اسلام شناخته می شود و به تبع آن مواضع مکاتب اعتزالی و اشعری به ذهن متبادر می شود. از این منظر مصلحت در عالم اسلام، سیری

۱- صرامی، سیف الله، احکام حکومتی و مصلحت، نشریه راهبرد، ش ۴، صص ۹۳-۶۳

مشابه مصلحت در عالم غربی داشته و به شکل مصلحت عمومی در آثار افرادی چون فارابی (تحت عنوان تعاون)، فضل الله روزبهان خنجی (با عنوان تسکین فتنه) و خواجه نظام الملک (با مفهوم فرّه ایزدی) نمود یافته است. اوج این نگرش را می توان در آثار ابن خلدون یافت.^۱

۳- رویکرد فقهی

این سؤال که آیا در مقام استنباط قوانین شرع می توان مصلحت را به مثابه مرجعی معتبر و یا مستقل در نظر گرفت یا خیر؟ محور اصلی رویکرد فقهی به مصلحت را تشکیل می دهد. برای نمونه آقای سیف ا... صرّامی در کتاب «احکام حکومتی و مصلحت» در باب ضرورت پرداختن به تبیین و ترسیم جایگاه مصلحت به عنوان ابزار تعبیه شده در فقه اسلام برای پاسخگویی به نیازهای متحول زمان می نویسد:

«در چند دهه اخیر، فقه اسلام و به خصوص فقه شیعه که سالهای زیادی از سیر تکاملی را بیرون از صحنه اجتماع و چارچوب یک حکومت مشروع پیموده، متهم به ناسازگاری با مقتضیات و نیازهای زمان گردیده است. تلاش های دانشمندانی همچون شهید محمد باقر صدر در «اقتصادنا» و استاد شهید مطهری در کتاب اسلام و مقتضیات زمان و آثار دیگری در این زمینه، برای رفع این اتهام بود.»^۲

وی اعتقاد دارد اگر احکام حکومتی و مصلحت اندیشی های متناسب با نیازهای زمان عمده ترین کلیدی است که در دست حکومت و نظام اسلامی برای اجرا و احیای احکام اسلامی قرار دارد، در این صورت ضروری است که احکام حکومتی و مصلحت را به عنوان کلید مشروع و مستندی برای پاسخگویی فقه به نیازهای زمان تبیین کنیم.

همچنین، دکتر محمد سعید رمضان البوطی در کتاب «مصلحت و شریعت: مبانی، ضوابط و جایگاه مصلحت در اسلام» به تعدیل دیدگاه های موجود در گفتمان اهل سنت پیرامون اصل مصلحت پرداخته،

۱- طباطبایی، سید جواد، ابن خلدون و علوم اجتماعی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱، صص ۲۵۶-۱۹۹

۲- صرّامی، سیف الله، احکام حکومتی و مصلحت، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۰

تا آنجا که به میزان زیادی در اصولی چون ضرورت عدم تعارض مصلحت با قرآن کریم، عدم تعارض مصلحت با سنت نبوی و عدم تعارض مصلحت با مصلحتی همسنگ خود و یا برتر، به رویکرد شیعی نزدیک می‌گردد. می‌توان گفت استدلال بوطی در این ابواب «فرا فرقه‌ای» بوده و در گفتمان سیاسی اسلام پیروانی از شیعه و سنی دارد.

غالب پژوهش‌های صورت گرفته در تشریح اندیشه امام خمینی(ره) در مورد مصلحت نیز با رویکرد فقهی تناسب پیدا می‌کند. به عنوان مثال آیت‌ا... عمید زنجانی در جلد نهم از سلسله مباحث فقه سیاسی، در ذیل عنوان قواعد فقه سیاسی، موضوع مصلحت را مورد کنکاش قرار می‌دهد و آراء و اندیشه‌های امام خمینی(ره) در این خصوص را تحت عنوان «مصلحت حفظ نظام اسلامی» و «مصلحت حفظ نظام دین» مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. وی در تشریح جایگاه مصلحت در اندیشه امام(ره) و در بیانی کاملاً محکم می‌نویسد:

«بی‌گمان احکام حکومتی بدون تشخیص مصلحت، موضوعاً و حکماً سامان نمی‌یابد بدین ترتیب شاخص اصلی اندیشه سیاسی امام(ره) که ولایت فقیه است به عنصر مصلحت باز می‌گردد و از این عنصر سیاسی سامان بخش، نقش می‌پذیرد.»^۱

در همین راستا، افرادی چون حمید رضا نوحی در کتاب «قواعد فقهی در آثار امام خمینی(ره) و عبدالحسین خسرو پناه در کتاب «گفتمان مصلحت» به بررسی آراء و اندیشه‌های امام خمینی(ره) در خصوص عنصر مصلحت پرداخته‌اند. نویسنده اخیر در بیان مواضع خود در چارچوب بررسی اندیشه امام می‌نویسد:

«فقه المصلحه و فقه الضروره، یکی از مهم‌ترین عناصری هستند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران توسط امام خمینی(ره) جنبه اجتماعی و حکومتی یافت و با عناوین مصلحت نظام، مصلحت اسلام

۱- عمید زنجانی، عباسعلی، قواعد فقه سیاسی(مصلحت)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴، ص ۳۵۶

و مصلحت مسلمین مطرح گردید و در نهایت، نهادی به نام مجمع تشخیص مصلحت نظام در سیستم قانونگذاری کشور تأسیس شد.^۱

همچنین گروهی از نویسندگان و پژوهشگران سعی کرده اند تا جایگاه مصلحت در اندیشه امام خمینی(ره) را در ارتباط تنگاتنگ با بحث ولایت فقیه مورد بررسی قرار دهند. آقای یحیی فوزی در کتاب «اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)» در این باره می نویسد:

«امام خمینی(ره) در کتاب البیع تصریح می کنند: اصل اولی در هر ولایتی این است که مقید به رعایت مصلحت باشد. بر این اساس، بحث مصلحت ارتباط تنگاتنگی با بحث ولایت فقیه دارد و در واقع یکی از ابزارهای مهم اعمال ولایت محسوب می شود، اما با وجودی که در موارد فراوانی از فقه شیعه سخن از مصلحت رفته است؛ نه در اصول و نه در فقه، هیچ کجا بحث واضحی از آن به چشم نمی خورد.»^۲

برخی نیز سعی کرده اند اندیشه و عمل سیاسی امام(ره) را زمینه ساز ورود جامعه به سوی سکولاریسم دانسته و از این منظر بر کرسی داوری بنشینند. از این افق می توان گرایشی را در نظر گرفت که فقه را به سمت «عرفی شدن» پیش می برد(یعنی رنگی عرفی، دنیوی و سکولاریستی می یابد) و به موجب آن در اثر استحکام رابطه دین و سیاست، فقه بیشتر به سوی عرفی شدن می رود، به طوری که این روند به هر اندازه که دین در زمینه سیاست پیش برود گسترده تر می گردد، تا آن که در به کارگیری عنصر مصلحت به بالاترین حد خود می رسد.^۳

پژوهش حاضر در صدد است ضمن بیان جایگاه مصلحت در اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی(ره) و بررسی تمایز آن با نظریه سکولاریسم و اندیشه عرفی کردن دین که از سوی برخی از نویسندگان در

۱- خسروپناه، عبدالحسین، گفتمان مصلحت، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۳، ص ۱۱۱

۲- فوزی، یحیی، اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، مرکز برنامه ریزی و تدوین متون درسی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴، ص ۱۵۷

۳- صالح پور، جهانگیر، فرایند عرفی شدن فقه شیعه، کیان، ش ۲۴، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴، ص ۱۷

سال های اخیر مورد توجه قرار گرفته، با ارائه رویکردی نوین در گرایش به مصلحت از سوی امام(ره) خلأ موجود در پژوهش های گذشته را تا حدی رفع نماید.

فرضیه های پژوهش :

در طرح مسأله بیان شد که یک سوال اصلی و سؤالات فرعی زیر در موضوع مورد بحث، قابل طرح می باشند. سؤال اصلی عبارتست از: مبانی فقهی رفتار سیاسی امام خمینی(ره) مبتنی بر مصلحت در نظام دینی ولایت فقیه چیست؟سؤالات فرعی زیر نیز در همین ارتباط مطرح گردید:

۱- رفتارهای سیاسی امام خمینی(ره) بر مبنای مصلحت در برهه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی کدامند؟
۲- چگونه موضوع مصلحت در نظام دینی از نظامهای سکولار محض متمایز می شود؟(حدود مصلحت در اندیشه امام(ره) چیست؟

در پاسخ به سؤالات فوق، فرضیه های این نوشتار بدین شرح است:

فرضیه اصلی: « مبنای فقهی مصلحت در اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی(ره)، اصل مصلحت به مثابه «قاعده فقه سیاسی» است.

فرضیه فرعی ۱: امام(ره) در مواردی چون پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و تجدید نظر قانون اساسی، بنابر اصل مصلحت عمل کرده اند.

فرضیه فرعی ۲: الگوی « مصلحت استراتژیک» (مصلحت به عنوان روش و راهکار عملی اداره حکومت) در اندیشه امام خمینی(ره) تمایز بخش نوع مصلحت اندیشی ایشان با نظام های سکولار و عرفی گرا می باشد.

اهداف پژوهش :

اکنون و با روشن شدن زمینه های بررسی مفهوم مصلحت و جایگاه آن در آراء و اندیشه های امام خمینی(ره) و ملاحظاتاتی که در طرح اولیه پژوهش ذکر شده است، به نظر می رسد که طرح بحث معنا